

نگاهی دوباره به مدل حکومتی مشروطه در ایران^۱

ریحانه آشفته *

محمدباقر عامری نیا**

چکیده

واکاوی مدل‌های حکومتی تجربه شده در فضای سیاسی جامعه‌ای که به هر علت از آن مدل‌ها عبور کرده است، صرفاً به معنی عرضه پدیده‌ای تاریخی نیست بلکه به معنای ارزیابی دوباره آن به عنوان الگوهای تجربه شده است که نیازمند بررسی آن‌ها در قالب مطالعه مبنایی و فلسفی است.

۱

در کشور ما مدل‌های حکومتی گوناگونی حیات یافته ولی تنها برخی از آنها شکل‌گیری حقوق اساسی را در معنای علمی آن رقم زده است. نظریه حکومت مشروطه از آن دست مدل‌ها می‌باشد. مطالعه پیش رو کوششی است مفهوم‌شناسانه از موضوع که ضمن اشاره به خاستگاه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط، ساختار فکری حاکم بر آن را از دو منظر حقوقی و فقهی مورد بازخوانی قرار می‌دهد. ارزیابی تفصیلی علل و عوامل تأثیرگذار در پیدایش نظریه مشروطه و به طور کلی جایگاه سیاسی تاریخی آن از حوصله این پژوهش خارج است. بلکه منظور بررسی مدل‌شناسانه آن در ایران و معرفی جایگاه آن در میان نظریه‌های حقوق اساسی است.

واژگان کلیدی

مشروطه، مدل حکومتی، فقه سیاسی، نظارت فقهی

^۱ تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱/۲۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۴/۱۵

* کارشناس ارشد حقوق عمومی (نویسنده مسئول مقاله) Reihanehashofteh@gmail.com

** استادیار حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

مقدمه

تحول سیاسی منجر به شکل‌گیری نظام مشروطه که تحت عناوینی چون «انقلاب مشروطه»، «جنبش مشروطه»، «نهضت مشروطه خواهی» معرفی می‌شود، زمینه‌ساز پیدایش نظریه‌ای شد که نظارت رهبران دینی را بر عملکرد حاکمیت سیاسی کشور الزامی می‌نمود. می‌توان ادعا نمود در میان مطالعات صورت گرفته درباره تحولات سیاسی ایران، هیچ یک به اندازه جریان مشروطه نبوده است. با اینکه جریان مشروطه نظام سیاسی دارای ویژگی‌های خاص را رقم زد و بر این اساس یک مدل حاکمیتی مستقل به شمار می‌آید ولی نوع پژوهش‌ها و تأملات انجام یافته پیرامون آن با نگاه سیاسی است. اگرچه مفهوم شناسی حقوقی یک پدیده دارای ابعاد سیاسی، بالطبع مطالعه‌ای با صبغه سیاسی به شمار می‌آید اما باید دانست که درک جایگاه چنان پدیده‌ای به صورت ماهوی و تحلیل شرایط و ارکان آن در قالب حقوقی، وضعیت متفاوت از پردازش سیاسی آن پدیده دارد. چرا که در تحلیل سیاسی، صرفاً علل و عوامل (خاستگاه‌ها)، بستر تکون و نتایج و نیز ابعاد تأثیر آن به عنوان یک جریان مورد بررسی قرار می‌گیرد ولی در نگاه حقوقی، چیستی ذاتی آن پدیده و به تعبیری ماهیت فلسفی آن مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس پیشاپیش تأکید می‌شود که تفاوت این دو نگاه درک شود تا زمینه عطف توجه به محور پژوهشی موضوع فراهم گردد. اکنون که منظور از مطالعه حاضر روشن شد با رویکردی حقوقی و فقهی به معرفی مدل حاکمیتی مشروطه در ایران می‌پردازیم.

۱. عنوان شناسی مشروطه

پیدایش این اصطلاح در ادبیات سیاسی و نیز حقوقی ایران به لحاظ تاریخی پیوند مستقیم با نهضت مشروطه خواهی دارد اما باید دانست که واژه‌ای اصالتاً بومی نیست. بلکه برگرفته از ریشه‌ای بیرونی می‌باشد. به نظر می‌رسد این اصطلاح از اساس خارجی آن ابتدا وارد ادبیات سیاسی- حقوقی ترکیه شد سپس به ایران راه یافته است. توضیح این که آن گونه که برخی از پژوهشگران انقلاب مشروطه گفته‌اند: «در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ نوین ایران و ترکیه واژه «مشروطه» به عنوان معادلی

برای واژه انگلیسی «کنستیتوشنالیسم^۲ یا حکومتی که بر شالوده قانون اساسی و نظام پارلمان بنیاد شده باشد، به کار برد شده است»^۳ برخی نیز گفته‌اند واژه «مشروطیت» از لغت فرانسوی «شارت»^۴ به معنی فرمان و قرارداد اخذ شده است.^۵ به رغم اینکه گفته می‌شود: «نخستین بار میرزا حسین سپهسالار در سال ۱۲۸۵ هنگامی که سفیران ایران در دربار امپراتوری عثمانی بود، این واژه را خلال برخی گزارش‌های خود به معنی مصطلح فعلی به ایرانیان معرفی کرد»^۶ و اگر چه برخی نویسندگان دوره مشروطه به اقتباس واژه مشروطه از لفظ فرانسوی «لاشارت» و عدم برگرفتنی آن از ریشه عربی «شرط» نظر داده‌اند^۷ ولی می‌توان گفت غالب نویسندگان آن دوره این واژه را بدون در نظر گرفتن ریشه واقعی آن از ریشه عربی «شرط» گرفته‌اند.^۸ در هر صورت اصطلاح مورد بحث از آن جهت در ایران متداول شد که قرار بود نظام جدید به حدود شرایطی که قانون معین می‌کند، محدود باشد.^۹

مطلب قابل توجهی که در تکمیل بحث عنوان‌شناسی «مشروطه» لازم به یادآوری است این که برگرداندن خارجی این واژه به دیگر لغات، به معنایی واحد و یکسان صورت نگرفته است. بلکه در هر کشوری فراخور وضعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی حاکم بر آن به معنای مورد نظر برگردانده شده است.

۲. جایگاه تاریخی مدل حاکمیتی مشروطه

حاکمیت مشروطه‌ای به لحاظ تاریخی مربوط به دوره عبور رژیم سیاسی اداره جامعه از قدرت مطلقه است. این عبور از حدود دو قرن پیش صورت گرفته است

^۲ constituionnalisme

^۳ انصاری، مهدی، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (روبارویی دو اندیشه)، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۳۸۷، ص ۵۷.

^۴ charte

^۵ ر.ک: مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم، انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸.

^۶ انصاری، مهدی، پیشین

^۷ تقی‌زاده، سید حسن، خطابه (مشمتمل بر شمه‌ای از تاریخ اوایل (انقلاب مشروطیت)، تهران، بی‌تا، ۱۳۸۸، ص ۵۳.

^۸ انصاری، مهدی، پیشین.

^۹ تقی‌زاده، سید حسن، پیشین، ص ۱۸.

آن گونه که مطالعات مربوطه به نظریه‌های دولت در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد، نظریه «حاکمیت مشروطه» نخست در محدودسازی قدرت مطلقه دولت‌ها اروپایی ارائه و عملی شد، سپس به تدریج در آسیا و شمال آفریقا، مصر، هند، ژاپن، روسیه و ترکیه تجربه شد.^{۱۰} در ایران با تصویب قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ پا به عرصه وجود گذاشت.

به رغم نام‌گذاری جریان محدودساز قدرت به عنوان «مشروطه» یا «مشروطیت» در کشورهای یاد شده در فوق، تلقی معنایی از آن در پاره‌ای موارد متفاوت بوده است. به عنوان نمونه این اصطلاح در ترکیه عثمانی تا پیش از اعلام مشروطه (۱۸۷۶م) در پیوند با حکومتی به کار برده می‌شد که بر اساس قانون اساسی پایه‌گذاری شود. این در حالی است که در ایران خصوصاً در برداشت مجتهدان درگیر با جریان مشروطه خواهی، منظور از آن نوعی، نظام سیاسی بود که مقید و متعهد به اجرای دستورات شرع می‌شد. بر همین اساس هم بود که برخی این اصطلاح را برگرفته از ریشه عربی «شرط» می‌پنداشتند یعنی مشروطه را به معنی چیزی که مشروط به شرطی باشد تلقی می‌کردند.^{۱۱} به هر روی نظریه دولت مشروطه محصول قرن هیجدهم است، هر چند همان گونه که برخی از نظریه پردازان دولت گفته‌اند بسیاری از اجزا و استدلال‌ات عمده آن به قرون وسطی باز می‌گردد. برخی از مفاهیم اصلی اندیشه مشروطیت به قرن‌ها پیش از پیدایش نظریه دولت مطلقه بر می‌گردد.^{۱۲}

۳. مفهوم حقوقی کلی حاکمیت مشروطه

حاکمیت مشروطه که گاهی با الفاظ مترادفی چون «قدرت مقیده»، «قدرت معتدله» و «قدرت محدوده» نیز قابل معرفی می‌باشد، این ویژگی روشن را دارد که در مقابل قدرت حاکمیتی مطلقه قرار می‌گیرد. چرا که در این مدل حکومتی، نهاد قدرت ضابطه‌مند و قانون‌گرا می‌شود.

مدل مشروطیت در میان محققان حقوق عمومی از شهرت بالایی برخوردار

^{۱۰} آندرو وینسنت، *نظریه های دولت*، ترجمه دکتر حسین بشیریه تهران، نشرنی، چاپ نهم، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳.

^{۱۱} ر.ک: انصاری، مهدی، پیشین، ص ۵۸.

^{۱۲} ر.ک: آندرو وینسنت، پیشین، ص ۱۲۳.

است. سبب شهرت آن این است که این نوع حاکمیت صرفاً در حدّ یک نظریه مطرح نشد. بلکه در تعداد قابل توجهی از کشورها که قبلاً اشاره شد، عملی گردید. یکی از نویسندگان حقوق عمومی درباره جایگاه کلی آن می‌نویسد: «مشروطه‌گرایی از مفاهیم سنتی حقوق اساسی است. این واژه در یک چشم انداز تاریخی به فراز و نشیب‌های ظهور قوانین اساسی شکلی اشاره می‌کند. مشروطه‌گرایی در بستر تاریخی چیزی جز فن محدودسازی قدرت نیست»^{۱۳}.

۴. اصول ابتدایی مشروطه‌گرایی

مدل حاکمیتی مشروطه به لحاظ ماهیتی در بردارنده عناصری است که می‌توان گفت تقریباً تمام قرائت‌های موجود از آن، آن عناصر را دارا می‌باشند. این عناصر در واقع اصولی بنیادین هستند که نظریه «مشروطه» را شکل می‌دهند. اهم آن اصول را تحت چند عنوان یادآور می‌شویم.

۱.۴. اصل قانون‌گرایی (قانون اساسی)

نکته محوری مربوط به نظام مشروطه، عبارت است از شکل‌گیری حاکمیتی بر اساس قانونی که در دانش حقوق عمومی، قانون اساسی نامیده می‌شود. قانون اساسی ماهیتی دستوری دارد که هیئت حاکمه را از مدیریت استبدادی به جریانی قانونمند سوق می‌دهد. روی آوردن به سوی قانون اساسی در یک نگاه آغازین، جنبشی موفق بود. این جنبش کاملاً منطقی و عقلانی بود. همان گونه که برخی از نویسندگان گفته‌اند: «از لحاظ معرفت‌شناختی، جنبش قانون اساسی تحت تأثیر اندیشه‌های گوناگون قرار داشت که جملگی بر این نکته تأکید می‌کردند که گروه فرمان‌روایان نیز همانند گروه فرمانبران زیر اطاعت وضعیت حقوقی مشخصی قرار گیرند»^{۱۴}.

بنابراین مهم‌ترین خصیصه ماهوی «مشروطیت» محدود سازی قدرت حاکمیت سیاسی یک کشور است. این خصیصه نیروی تبعیت از قانون مرجع است که نقش

^{۱۳} گرجی‌زندریانی، علی اکبر، در **تکاپوی حقوق اساسی**، تهران، جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۲۷۵.

^{۱۴} همان، ص ۲۷۶.

نظارتی عمومی را بر اعمال هیئت حاکمه ایجاد و تقویت می‌کند و اساساً جامعه‌ای را بنیاد می‌نهد که هرم قدرت در آن مسوولیت‌پذیر باشد. «همین که جامعه به وجود آمد، نمی‌تواند بدون حکومت زندگی کند ممکن است حکومت یعنی نماینده نیروی عمومی در دست یک یا چند نفر قرار گیرد»^{۱۵} و حکومت بر اساس قانون یعنی تعدیل نیروی عمومی مزبور، تعدیلی که نتیجه‌اش متوازن سازی قدرت در جامعه خواهد بود و مشروطیت چهره‌ای از همین قانون‌گرایی تعدیل‌ساز در جامعه است. «قانون اساسی، دستاورد نهضتی است که به دنبال انقلاب صنعتی، در جهت قانونی‌سازی جوامع به وقوع پیوست. هدف اصلی این حرکت، پایان دادن به خودسری حکام و تأمین آزادی-های فردی بود»^{۱۶} نکته قابل توجه این که نظریه قانون اساسی بلافاصله مورد پذیرش اکثر کشورها قرار گرفت. جنبش قانون اساسی ابتدا از ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ آغاز گردید و با انقلاب صنعتی فرانسه گسترش یافت. روی آوری به قانون اساسی، نقش هویت بخش به هر کشور خصوصاً کشورهای تازه استقلال یافته داشت و دارد.

اقبال عمومی به محور بخشی به قانون اساسی سنگ زیر بنای پذیرش نظام مشروطه در کشورهایی است که مشروطه خواهی در آنها عرضه گردید. به تعبیر ساده‌تر مشروطه خواهی رابطه تنگاتنگی با نظریه قانون اساسی دارد این نظریه که به لحاظ سیاسی و عینی جنبش به سوی قانون اساسی نامیده می‌شود در طول قرون هفدهم و هجدهم به وجود آمد و واکنشی بود علیه نظام عرفی گذشته و نظام که به طور سنتی و غیر ظابطه‌مند جامعه را اداره می‌کرد.^{۱۷}

خلاصه این که مدل حاکمیتی مشروطه همواره با اصلی به نام قانون‌گرایی (قانون اساسی) همراه می‌باشد.

۲.۴. اصل مردم سالاری

مشروطه‌خواهی تبلور اراده مردم است (لااقل به لحاظ تاریخی و تجربی) که آن را

^{۱۵} منتسکیو، روح القوانین، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱.

^{۱۶} قاضی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چاپ دهم،

۱۳۸۳، ص ۱۰۴.

^{۱۷} ر.ک: همان، ص ۱۰۵.

خواستگاران و به وجود آورده‌اند. بنابراین اراده مردم عینیت بخش آن می‌باشد. رابطه مشروطیت و مردم سالاری به حدی چشمگیر و قوی است که برخی این دو را دو روی یک سکه می‌پندارند^{۱۸}. مردم‌سالاری از این جهت یک اصل بنیادین در نظریه «دولت مشروطه» به شمار می‌آید که حق تصویب قانون اساسی به عنوان مستند مشروعیت بخش به چنین دولتی، از آن مردم است. مردم قانونی را به تصویب می‌رسانند که مدل حکومتی مورد نظر در آن گنجانده شده است. اگر چه تجلی مردم سالاری در این مدل حکمیتی به اندازه مدل ره آورد لیبرال دموکراسی نیست ولی همین اندازه که ریشه در حقوق اساسی متکی به اراده مردم است، کافی است که اراده مردم را به عنوان یک اصل در تحقق این مدل تلقی نماییم. شاید به خاطر همین است که گفته می‌شود همه کشورها امروزه به یک معنا «مشروطه‌اند»^{۱۹}. این سخن که «اندیشه حاکمیت مردم هیچ‌گونه رابطه ضروری با مفهوم مشروطیت ندارد (و حتی) نخستین نمایندگان اندیشه حاکمیت مردم، دموکرات یا مشروطه خواه به معنای امروزی کلمه نبوده‌اند [چرا که] اندیشه مشروطیت اغلب در آغاز مبتنی بر اصول سلطنت‌طلبانه بود.^{۲۰} اگرچه به لحاظ تاریخی مقرون به واقع می‌باشد و به نظر می‌رسد تحلیل مزبور ناظر به همین بُعد می‌باشد ولی همان‌گونه که در قبل اشاره شد، تردیدی در رابطه تناقض مشروطیت با مردم سالاری وجود ندارد. یکی از نویسندگان در این باره می‌نویسد: «مشروطه‌گرایی خود در رابطه برگزیده حداثی از دموکراسی است. نمی‌توان حکومتی را مشروطه تلقی کرد ولی آن را دموکرات ندانست. به دیگر سخن، هر حکومت مشروطه‌ای الزاماً مردم سالار نیز هست. تحدید و تقیید قدرت مطلقه و سپردن میزان قابل توجهی از قدرت به مردم از لوازم جدایی ناپذیر مشروطه است»^{۲۱}.

۵- مدل مشروطه در ایران

^{۱۸} گرجی، ازدریانی، علی اکبر، پیشین، ص ۲۷۶.

^{۱۹} اندرووینسنت، پیشین، ص ۱۲۹.

^{۲۰} همان، ص ۱۲۹.

^{۲۱} گرجی ازدریانی، علی اکبر، پیشین.

درک زوایای انقلاب مشروطه در ایران مستلزم مطالعه‌ای تاریخی و بررسی علل انگیزه‌های روی آوردن جامعه ایران به سوی آن است ولی پرداختن به آن خارج از موضوع پژوهش حاضر است. آنچه به لحاظ تاریخی اشاره به آن ضرورت دارد این است که بدانیم مدل مشروطه از کجا وارد ایران شد؟ و این مدل چگونه بود؟ گفته می‌شود مشروطه در معنای حکومت غیراستبدادی از ترکیه عثمانی به ایران آمد. به نظر می‌رسد برای نخستین بار میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۸۵ هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراتور عثمانی بود، این واژه را در خلال برخی از گزارش‌های خود به ایرانیان معرفی کرد.^{۲۲} توضیح این که متعاقب طرح نظریه دولت مشروطه در کشورهای اروپایی به شرحی که قبلاً اشاره شد، جامعه روشنفکری ایران به رهبری طیفی از روحانیت دست به انقلابی زد که به «مشروطیت» شهرت یافت. درست است که قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۲۴ هـ (۱۲۸۵ ش) به تصویب رسید ولی این به معنی آغاز ورود اندیشه مشروطه خواهی در ایران نیست، بلکه روشنفکران ایرانی سال‌ها قبل از آن از طریق دولت‌های همسایه همچون ترکیه و هند با آن آشنا شدند. شاید بتوان گفت عموم مردم در (فاصله زمانی قرارداد تنباکو ۱۳۰۶ هـ) به تبعیت از گروهی از روحانیت و شدت آن با فتوای تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۸ هـ و ادامه یافتن نارضایتی‌های عمومی از دستگاه سلطنت قاجاری تا سال ۱۳۲۴ هـ، همه این دوره زمانی، پیش زمینه جنبش مشروطه خواهی بوده است.^{۲۳} شکست ایران در دو جنگ با روسیه و انعقاد قراردادهای گلستان، ترکمنچای و برقراری کاپیتالاسیون در همین سال‌ها که نتیجه آن‌ها بی‌توجهی نظام سلطنت به حقوق مردم و سرنوشت مملکت و از دست رفتن قسمت‌هایی از خاک ایران بود و نیز وضعیت شاهزادگان قاجار و سفرهای پرخرج سلاطین و به طور کلی بی‌کفایتی حاکمیت سلطه‌ای شاهان^{۲۴} زمینه‌ساز جنبشی شد که ره آورد آن عرضه نظامی با قدرت محدود شد. بنابراین «مشروطه

^{۲۲} انصاری، مهدی، پیشین، ص ۵۸.

^{۲۳} ر.ک: حائری عبدالهادی، تشییع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۰-۲۸، و تهرانی، آقابزرگ، میرزای شیرازی، ترجمه محمد دزفولی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاچ سوم، ۱۳۶۵، ص ۲۳۲-۲۵۷.

^{۲۴} ر.ک: انصاری، مهدی، پیشین، ص ۵۲ و مدنی، سید جلال الدین، پیشین، ص ۱۱

خواهی» در ایران به طور عادی مورد پذیرش قرار نگرفت، بلکه وضع نابسامان موجود و ناکارآمد نظام سلطنت جامعه ایران را به سوی آن کشاند شروع مشروطیت در ایران تا حدودی شبیه پیدایش آن در کشورهای اروپایی بود.

درست است که اندیشه مشروطیت در جهان غرب ادوار مختلفی طی نموده و علل و عوامل دیگری از قبیل اصلاح دینی نیز در پیدایش آن نقش داشته است^{۲۵} اما آن‌گونه که گفته شده متعاقب بحث از آن توسط حقوقدانان در کلیسا در قرن دوازدهم، مورد استفاده مخالفان استبداد سلطنتی و دیگر منتقدین حکومت مطلقه دربار قرار گرفت.^{۲۶} خلاصه می‌توان گفت «نظریه حاکمیت مشروطه» واکنشی بوده به ناکارآمدی سلطنت و حاکمیت مطلقه. لذا است که در ایران آن را در مقابله حاکمیت مستبد به کار می‌بردند. منظور حاکمیت مستبد سلطنتی بود که در آن دوره بر ایران حکم فرما بود در پایان این بحث لازم به یادآوری است که نمی‌توان گفت جنبش مشروطه در ایران به طور دقیق مبتنی بر نظریه عمومی مشروطه در معنای حقوقی و فلسفه سیاسی آن به مثابه آنچه در جهان غرب مطرح شد بود. بلکه به شرحی که به زودی خواهیم گفت مدل مشروطه ایران هم در نگاه حقوقی روشنفکران سیاسی و هم در نگاه فقیهان طرفدار آن مدلی در معنایی ساده بود و عاری از حواشی فلسفی و پیچیده. به هر روی فرمان مشروطیت با تصویب قانون اساسی در چهارده ذی القعدة ۱۳۲۴هـ و امضاء مظفرالدین شاه، نهایی شد و شخص شاه هم همان شب درگذشت.

۱.۵. مشروطه در نگاه اهل سیاست (حقوقدانان سیاسی)

در تلقی حقوق و علوم سیاسی واژه مشروطه همان محدودسازی نظام سلطنتی است که پادشاه را موظف می‌کند مطابق قانون حکمرانی کند. در تعریفی از آن چنین آمده است: «نوعی از رژیم سلطنتی که قدرت‌های دولتی قسمتی در اختیار پادشاه و قسمتی در اختیار مجمع عمومی ملت و یا در اختیار طبقات ممتاز یا در دست مجالس مقننه باشد. در اصطلاح دیگر آن را سلطنت مقید و یا سلطنت مشروط یا مشروطه

^{۲۵} ر.ک: آندرووینست، پیشین، ص ۱۳.

^{۲۶} همان.

نامند»^{۲۷}. مشروطیت در نگاه روشنفکران ایرانی آن عصر اقتباس از قوانین کشورهای دارای نظام مشروطه بود. ترجمه قوانین کشورهای دارای حاکمیت مشروطه و تنظیم آن در قالب قانون اساسی ایران، عملاً با رویکردی غیرمذهبی بود. به تعبیر دیگر مشروطه‌ای می‌خواستند که صرفاً بر اساس نظام پارلمانی و جایگزین اجرای احکام شریعت باشد. منتها این معنا قابل درک برای همگان نبود. طرفداران نظام مشروطه از علما که موافق آن بودند خصیصه قانونمند شدن نظام اداره کشور را از آن درک کرده و مطلوب می‌دانستند ولی گروهی دیگر و در رأس آنها شیخ فضل الله نوری، خروج جریان شریعت را از دل این مشروطه می‌فهمیدند و با آن مخالفت کردند. این جمله شیخ فضل الله که «جلوگیری از اسلامیت دارالشوری ایران می‌کنند و می‌خواهند مجلس شورای ایران را پارلمنت پاریس بسازند»^{۲۸}، ناظر به همین نکته اساسی است. مداخله جریان فراماسونی در فرایند مشروطه خواهی^{۲۹} و تشکیل لژ جامع آدمیت توسط شانزده وکیل و نیز لژ بیداری ایرانیان، و در نهایت راه اندازی یک مرکز انقلابی از جنس مجلس اساسی فرانسه، همان مشروطه‌ای را در تلقی حقوقدانان و سیاسیون مشروطه‌خواه (مشروطه خواهان اولیه) رقم زد که نسخه مطابق اصل آن یعنی نسخه‌ای اروپایی بود. یک گزارش تاریخی حکایت از این دارد که شیخ‌الملک و ناظم‌الاسلام (از پیشنهاددهندگان نظام مشروطه) تصمیم داشتند به سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (فقیه طراز اول نجف) پیشنهاد کنند برای ترتیب و تدوین قوانین مجلس یک نفر معلم از دولت انگلیس بخواهند، زیرا به عقیده آنها این مجلس باید در امور مملکتی و وضع قوانین دولتی مذاکره نماید و تشکیل و ترتیب آن ربطی به دین و مذهب ندارد.^{۳۰}

^{۲۷} جعفر لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۳، ص ۳۶۲.

^{۲۸} انصاری، مهدی، پیشین، ص ۱۵۷.

^{۲۹} ر.ک: راثین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۲۷ و ۲۵۳.

^{۳۰} ر.ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۵۹۴.

خلاصه این که رژیم مشروطه مورد نظر جریان روشنفکری رژیم پارلمانی‌گرای محض بود که عمده رویکرد آن آوردن نظام قانونی در ایران بود. نظامی تقنینی مقتبس از مدل‌های غربی و غیربومی. این رویکرد به شرحی که در مبحث بعد اشاره خواهیم کرد مورد انتقاد شدید برخی از فقیهان قرار گرفت و برخی دیگر به صورتی کلی با پذیرش مشروطه خواهی از آن استقبال کردند. آنچه در این مجال جای تأکید دارد این است که این گروه ظاهراً عمق چنین مشروطه‌ای را درک نکرده بودند. بیانی‌ها و مبانی فکری آن‌ها به روشنی گویای این تحلیل است.

۲.۵. مدل مشروطه فقهی

همان‌گونه که برخی از نویسندگان گفته‌اند «در عصر مشروطه برای نخستین بار مفاهیم حقوق اساسی در فقه شیعه مورد بحث و بررسی قرار گرفت»^{۳۱} ورود مفاهیم سیاسی در حوزه مذاکرات و مطالعات فقهی، جریانی را رقم زد که آن را فقه سیاسی می‌نامیم فقه سیاسی تدوینی عمر طولانی ندارد، این فقه عمری به کوتاهی نهضت تنباکو (۱۲۳۰) تا کنون دارد. در این میان انقلاب مشروطه نه تنها تحولی بزرگ در تاریخ ایران محسوب می‌شود. چرا که تا پیش از آن عملاً قانون، حکم شاه بود و با وقوع این انقلاب برای اولین بار ایران صاحب مجلس قانون‌گذاری شد، بلکه تحولی در فقه شیعه بود. شناسایی مدل مشروطه مورد نظر فقیهان از اهمیت ویژه برخوردار است.

پیشاپیش یادآوری این نکته ضروری است که به نظر ما موافقان مشروطه یک روی سکه را می‌دیدند که عبارت بود از قانونمند شدن نظام اداره مملکت و اما روی دیگر سکه که ساختار غیر ایرانی آن است را واقف نبودند. ساختاری که در نهایت منجر به وضع قوانینی می‌شد که معلوم نبود با فرهنگ، اعتقادات و خواسته جامعه ایرانی سازگاری داشته باشد. فقیهی چون شیخ فضل الله نوری در واقع دنبال این بودند که، مدل مشروطه را در ایران بومی کند. یعنی در قالبی فقهی پیاده کند اما چون نتوانست و جریان مخالف غلبه کرد، به ناچار با آن مخالفت کرد و به دار آویخته

شد. به داراویختن شیخ فضل اله نوری توسط به اصطلاح مشروطه‌خواهان نشان می‌دهد که مدل پیاده شده در حقیقت استبداد بود نه نظام قانون‌مند مورد اتکاء مشروطه خواهی واقعی. به هر روی از نقطه نظر پشتوانه فقهی مدل مشروطه اگر چه گفته می‌شود «نزدیک به سیصد نفر از علمای تهران از همفکران شیخ به شمار می‌رفته‌اند»^{۳۲} اما شخص مؤثر در این میان فقط او به شمار می‌آید. از میان فقیهان او بیش‌ترین نقش را در آماده‌سازی حاکمیت مشروطه در معنای حاکمیت قانون‌گرا دارد اما همان مخالف سرسخت مشروطه شد، چرا که دریافت مشروطه مورد نظرش نه آن چیزی که پیاده شد. او خود دلایل عدولش از جریان مشروطه را تبیین نموده است.^{۳۳} عبارت زیر از آقا نجفی قوچانی که خود از مدافعان سرسخت مشروطه بود، گویای این است که فقیهان چه تلقی از آن داشتند. تلقی‌ای که کاملاً متفاوت از مدل مشروطه مورد نظر سیاسیون و روشنفکران داخل ایران بود: «در این زمان که سنه ۱۳۲۵ بود آوازه مشروطه شدن ایران و هیاهوی آن در نجف بلند بود... البته معلوم است که دیانت اسلام به جمهوریت انساب و اقرب است و هم چنین با سلطنت مشروطه نسبت به هر فردی از افراد بشر در او جوهری عقلانی است»^{۳۴}. وی در ادامه می‌گوید: «اگر روحیات اسلام و سیاسات آن به جریان افتد و موازین عدل و داد در معاملات در محل‌های خود منصوب و بر پاگردد و در غیر منصوصات شرع به مقتضیات وقت بعد المشوره معمول گردد بهتر از این چه می‌شود سنت مسنونه و طریقه مأمونه»^{۳۵}.

عبارت فوق جز این دلالت ندارد که در نگاه این فقیه، مشروطه‌گری عبارت است از یک نظام شورایی که در صدد اجرای سیاسات اسلام است و مدلی است که مملکت را از اداره فردی به جمهوریت می‌کشاند. به هر صورت مدل مشروطه مورد نظر در فقه سیاسی آن دوره را با یادآوری مبانی و اصول آن به شرحی ذیل پی می‌گیریم:

^{۳۲} همان، ص ۱۱۶.

^{۳۳} ر.ک: ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، و ... پیرامون نقش شیخ فضل الله نوری، ج ۱، تهران، موسسه رسا، چاپ اول، ۱۳۶۲، ۱۰۱-۱۱۴.

^{۳۴} آقاجنقی قوچانی، سید حسن، سیاحت شرق، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۴۵۸.

^{۳۵} همان.

۶. اصول کلی مشروطه فقهی

منظور از اصول کلی نظریه مشروطه فقهی آن دسته خطوط و مبانی نظری است که بر پایه آنها اولاً؛ این مدل حاکمیت مورد پذیرش قرار گرفت. ثانیاً؛ مشروطه مورد نظر فقیهان را از مدل مشروطه غیر فقهی (خارجی) متمایز می‌سازد.

۱.۶. نظارت شورایی

یکی از پایه‌های فکری فقیهان طرفدار مشروطه، ماهیت شورایی این مدل حاکمیت است. فقیهان شیعه با الهام از تجربه نسبتاً موفق این نظام، به این نکته واقف شدند که قدرت محدود (نظام شورایی)، استبداد را کم می‌کند و به باور آنان زمینه بهتری برای اجرای احکام شریعت به وجود می‌آید. به این عبارت نائینی فقیه نظریه پرداز مشروطه (مشروطه فقهی) توجه کنید: «برای محاسبه و مراقبه و نظارت در اقامه وظایف لازمه نوعیه و جلوگیری از هر گونه تعدی و تفریط مبعوثان ملت و قوه عملیه مملکت، مجلس شورای ملی مجمع رسمی ایشان است. محاسبه و مسوولیت کامله در صورتی متحقق و حافظ محدودیت و مانع از تبدل ولایت به مملکت تواند بود که قاطبه متصدیان که قوه اجراییه اند، در تحت نظارت و مسوولیت هیئت مبعوثان و آنان هم در تحت مراقبه و مسوول آحاد ملت باشند»^{۳۶} این عبارت مجلس شورای ملی که ره آورد مشروطیت بود صحه می‌گذارد.

همان‌گونه که برخی نیز گفته اند: «در بیشتر نوشته‌های مربوط به مشروطه اسلامی، تا حدودی در قالب قانون اساسی مصوب مشروطه، به جایگاه مجلس و «دار الشوی» توجه شده است»^{۳۷}. در این میان تلگراف تبریک آخوند خراسانی به مجلس شورای ملی مشروط حائز اهمیت است. او در این پیام، عملاً به این مجلس مشروعیت بخشیده است و البته به نصیحت نمایندگان پرداخته است^{۳۸}، او در تلگرافی دیگر لزوم

^{۳۶} نائینی، میرزا محمد حسین، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، با مقدمه و توضیح سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم ۱۳۸۷، ص ۳۷.

^{۳۷} فیرحی، داود، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹.

^{۳۸} ر.ک: کدیور، محسن، *سیاست نامه خراسانی* «قطعات سیاسی در آثار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی»، تهران، کویر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷.

اهتمام در استحکام و تشدید مجلس شورای ملی گوشزد نموده است.^{۳۹} البته باید توجه داشت که فقیهان مشروطه خواه، نقش مجلس شورای ملی را در حدود غیر منصوصات شرع می‌دانستند. به عبارت دیگر حوزه کار این دارالشوری را در قلمرو عرفیات قبول داشتند.^{۴۰} به هر روی آنچه مسلم است این است که در رویکرد فقیهان طرفدار مشروطه، خصیصه دارالشوری، (مجلس) که رکن این مدل نظام اجرایی بود، نقش راهبردی و توجیهی اساسی داشت.

۲.۶. حق تعیین سرنوشت توسط مردم

موضوع حق مداخله مردم در اداره کشور متبوع خود، به عنوان یک اصل مسلم و چشم‌گیر از خلال عبارات فقهای مشروطه خواه قابل استنباط است. عبارت زیر از محقق نائینی به این مطلب صراحت دارد: «بالضرورة معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم، چه آن که راجع به امتیازات دینی باشد یا وطنیه منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان».^{۴۱} او در جای دیگر نقش مردم را اینگونه تأکید می‌کند که دولت مشروطه «بر آزادی رقاب ملت از این اسارت و رقیبت منحوسه ملعونه (سلطنت مطلقه) و مشارکت و مساواتشان با همدیگر و با شخص سلطان در جمیع نوعیات مملکت از مالیه و غیرها، مبتنی است و حق محاسبه و مراقبت داشتن ملت و مسوولیت متصدیان هم از فروع این دو اصل است».^{۴۲}

بنابراین طبیعی بود که آنان با اعتقاد به چنین حقی برای مردم، مشروطیه ای که سلطه حاکم را محدود می‌کرد به نظارت نهاد شورایی منتخب مردم، مشروع بدانند.

۳.۶. التزام به شریعت

اصل دوم متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۲ هـ مقرر می‌داشت: «مواد قانونیه مجلس شورای ملی باید در هیچ عصری از اعصار مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و

^{۳۹} همان، ص ۱۶۵.

^{۴۰} همان، ص ۱۶۹.

^{۴۱} ر.ک: نائینی، میرزا محمد حسین، همان، ص ۱۱۰.

^{۴۲} همان، ص ۳۹.

قوانین موضوعه حضرت خیرالانام(ص) نداشتند باشد. و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام بوده و هست.» بدیهی بود که با چنین دستور مهم و اساسی نظر فقیهان به نظام حاکمیتی و لو سلطنتی جلب شود. صدور فرمان تأسیس نخستین مجلس شورا در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هـ با ترکیبی از مجتهدین در آن، که نظارت فقهی را به قوانین الزامی می نمود. اگر چه نام این مجلس «مجلس شورای ملی» بود ولی فقیهان مشروطه خواه در واقع مجلس شورای اسلامی می خواستند. یعنی این هدف را تأمین شده تصور می کردند.

ملا محمد کاظم خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی در تلگراف‌های جداگانه خود این گونه تأکید می نمودند: «مشروطیت هر مملکت، عبارت از محدود و مشروطه بودن ادارات سلطنتی و دوائر دولتی است به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه و بر طبق مذهب رسمی آن مملکت و چون مذهب رسمی ایران همان دین قویم اسلام و طریقه حقّه اثنی عشریه است. پس حقیقتاً مشروطیت و آزادی ایران عبارت است از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاده از مذهب...»^{۴۳} این تلگراف مفصل است و مفاد آن به طور موکد ارائه چهره‌ای از مشروطیت است که التزام دولت به قواعد شرع را عملی می سازد.

۴.۶. احترام به عرفیات

مشروطه فقهی در کنار التزام به شریعت، عملاً امور عرفی را در قالب قانون- گذاری قبول داشت یکی از نویسندگان در خصوص نگاه فقیهان به قانون گذاری عرفی می نویسد. «یکی از چالش‌های در دو سده اخیر بحث از ورود حوزه عرفی و اجازه قانون گذاری قبول داشت. «یکی از چالش‌های عمده در دو سده اخیر بحث از ورود حوزه عرفی و اجازه قانون گذاری آن در کنار حوزه شرع است. آیا می توان با وجود شریعت که قانون کامل است، دست به قانون گذاری زد. این نزاع علمی در دوره

مشروطیت به اوج خود رسید^{۴۴}. «برخی که همان موافقان مشروطه بودند، این امر را ممکن و مجاز می‌شمردند. پیام تلگراف‌های متعدد آخوند خراسانی مبنی بر رجحان عقلی و شرعی بلکه وجوب مجلس شورای ملی^{۴۵} که نهاد قانون‌گذاری عرفی را مشروعیت می‌بخشید، نشانگر این رویکرد در اندیشه آنان بود. صریح‌تر از این حمایت‌ها فتوای مفصل‌همین فقیه مشروطه خواه است که پرداختن به موضوعات عرفی و امور حسبی را در عصر غیبت امام زمان(عج) در حیطة صلاحیت عقلای مسلمین می‌داند^{۴۶}.

اساساً تن در دادن به نظام متکی به قانون بر مبنای پذیرش نظریه‌ای عرف‌گرا است. چنین بینشی به روشنی در فقه سیاسی فقیهان طرف‌دار مشروطه دیده می‌شود.

^{۴۴} ر.ک: سید باقری، سید کاظم، فقه سیاسی شیعه، «سازوکارهای تحول در دوران معاصر»،

تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳.

^{۴۵} ر.ک: کدیور، محسن، همان، ص ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۱.

^{۴۶} همان، ص ۲۱۰.

نتیجه گیری

از آنچه گفتیم این نتیجه به دست آمد که مدل مشروطه فقهی با مشروطه مصطلح از نوع غربی متفاوت است. در نهضت مشروطه خواهی، اصول دموکراسی غربی چندان مورد توجه علما نبود. آنان مشروطیت را از این جهت مورد حمایت قرار داده‌اند که دولت استبدادی را از بین برده یا لاقلاً قدرت مطلق آن را محدود می‌سازد. نکته دیگر این که تلقی فقیهان از مشروطیت همانند تلقی جریان روشنفکری نبود. آنان مشروطیت را در معنای نظام دارای نهاد قانون‌گذاری مطلق مدنظر داشتند ولی فقیهان، ضمن پذیرش نهاد شورا (مجلس شوری) مشروطیت را در معنای نظامی که با لحاظ نظارت فقیهان اجرای شریعت را تضمین خواهد کرد، می‌انگاشتند. علت این که برخی از مشروطه خواهان اولیه مانند شیخ فضل الله نوری بعدها با آن مخالفت کردند. این است که آنان مشروطه را در عمل نوعی لیبرال دموکراسی غربی می‌دیدند که هدف مورد نظرشان را تأمین نمی‌کرد. فقیهان مشروطه در حقیقت می‌خواستند مدل مشروطه غربی را در معنا و مفهومی فقهی اسلامی بومی کنند ولی موفق نشدند. شاید اگر مرگ مشکوک ملا محمد کاظم خراسانی در مسیر نجف به ایران پیش نمی‌آمد، این معنا محقق می‌گردید.

منابع و مأخذ:

- آقا نجفی قوجانی، سید حسن، **سیاحت شرق**، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- آندرو وینسنت، **نظریه‌های دولت**، ترجمه حسین بشیریه، تهران نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.
- انصاری، مهدی، **شیخ فضل الله نوری و مشروطیت** (رویاری دو اندیشه)، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- ترکمان، محمد، **رسائل اعلامیه‌ها، مکتوبات و... پیرامون نقش شیخ شهید فضل اله نوری در مشروطیت**، تهران، مؤسسه رسا، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- تقی‌زاده، سید حسن، **خطابه** «مشمتمل بر شمه‌ای از تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت»، تهران بی‌نا، بی‌چا، موجود در کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۳۸.
- تهرانی، آقا بزرگ، **میرزای شیرازی**، ترجمه محمد دزفولی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، گنج دانش، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۳.
- حائری، عبدالهادی، **تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق**، تهران، امیرکبیر چاپ اول، ۱۳۶۰.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- رائین، اسماعیل، **فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران**، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۵۷.
- سید باقری، سید کاظم، **فقه سیاسی شیعه** «سازوکارهای تحوّل در دوران معاصر»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- فیرحی، داود، **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، تهران، سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۱.

- کدیور، محسن، **سیاست نامه خراسانی**، «قطعات سیاسی در آثار آخوند ملامحمد کاظم خراسانی»، تهران، کویر، چاپ اول ۱۳۸۵.
- کدیور، محسن، **نظریه‌های دولت در فقه شیعه**، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
- قاضی، سید ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
- گرجی آزندریانی، علی اکبر، **در تکاپوی حقوق اساسی**، تهران، جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- مدنی، سید جلال الدین، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، قم، انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
- منتسکیو، **روح القوانين**، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۹۱.
- نائینی، میرزا محمد حسین، **تنبيه الامه و تنزیه الملّه**، با مقدمه و توضیح سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم، ۱۳۷۸.